نگاه

نگاهی متفاوت به فراکسیون ترک‌زبان با ترک‌نشینان و باز هم موضوع زبان...

علیرضا افشاری . روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی

۱. چندی است مشروع تشکیل فراکسیون ترک‌زبان با ترک‌نشینان محل کشتوگو شده است. چکیده سخن اندیشمندان و کوشندگانی که به نام و محتوای این فراکسیون منتقد هستند، این است که نماینده مردم یک منطقه در مجلس شورا، در کنار وظیفه پیگیری خواست‌های مردم منطقه خویش، باید نگاهی ملی و در جهت حل مسائل کشور داشته باشد و این بخش‌بندی نمایندگان به قومیت‌هایشان - یا این فرض که به طور طبیعی چنین حرکتی ایجاد انگیزه و حق برای دیگر وابستگان به اقوام هم خواهد کرد تا فراکسیون قومی خویش را تشکیل دهند- می‌تواند به اصل نمایندگی آنان و نگاه ملی‌شان آسیب وارد کند و سرانجاز رسیدن‌بخشیدن به شکل‌گیری پروژه من «دیگری» درون ملت ایران شود، موضوعی که بیش از این با غیرتبساری در بساری موضوعات (تاریخ، زبان، هنر، نماد‌ها و اسطوره‌ها و...) به‌پوژه در میان بحثی از ترک‌زبانان کشور آغاز شده است. نگرانی منتقدان هنگامی تشدید می‌شود که جدا از گفتمان حامیان تندرو این فراکسیون حیث (دقیقا از یک سال آخر دوره پیشین مجلس شورای اسلامی) اطلاق هویت ملی به اقوام ایرانی و ملت‌خواندن آنان در جایگاه‌های رسمی آغاز شده است و طبیعتا قراردادن این دو موضوع در کنار هم چیستان‌آرزوشی را رونه نمی‌دهد. به‌پوژه که آنان که با تاریخ ایران و جهان آشنا هستند، از زاویه پیامدهای چنین حرکتی است که آن را برنمی‌تابند.

از سوی دیگر، موافقان میانه‌رو تشکیل این فراکسیون، پیگیری مطالبات قومی را در تعارض با مطالبات ملی نمی‌بینند و حتی آنها را مکمل یکدیگر می‌دانند و بر این نکته پامی‌فشارند که برخی مطالبات است که اگر پیگیری‌اش گروهی و قومی انجام شود، نتیجه‌بخش است. به سخن دیگر، خیلی خواست‌ها و مشکلاتی وجود دارد که تنها از آن قومیتی خاص است و مشکلات و خواستی ملی نیست و طبیعتا عقلی به آن نظر ندارند، پس بهتر است که در محفلی قومی درباره آن اندیشیده شود تا بهتر و مؤثرتر پیگیری شود.

۲. اما پرسش اینجاست: در واقع، کدام خواست‌ها و مشکلات هستند که ویژگی قومی ندارند؟ این پرسشی است که از تنی چند از فعالان قومی که می‌شناختم پرسیدم و شوربختانه در پاسخ مطلقی نگرفتم‌اما در واقع، همه مشکلات که از آنها یاد می‌شود، همه در زیستن رنام «حقوق شهروندی» می‌گنجد و جنبه‌ای همگانی و ملی دارند. همه مشکلاتی که در شمال غرب کشور و دیگر مناطقی که از آنها یاد می‌شود، کلمل بایسوت، وابسته بودن به زیست‌بوم‌ها، نبود سد، درهم و حتی غلام بحیی جدت لحظه قبل از ورود دارد، مشکلاتی هستند که در دیگر جاهای کشور نیز وجود دارد، فقر، بی‌کاری، تخریب میراث فرهنگی و محیط‌زیستی و... طبیعتا هر نماینده‌ای حسن نیاتی برای حل مشکلات منطقه و حوزه انتخابیه خودش باید بکوشد. راهکاری ملی نیز برای حل مشکلات بیابد؛ هرچند ممکن است به خاطر ویژگی‌های آب‌وهوایی در روش‌های پاسخ به مشکلات، اختلاف‌هایی جزئی در برخی مناطق وجود داشته باشد. برای نمونه، در راس مشکلات محیط‌زیستی مناطق ترک‌زبان و آذربایجان، خشک‌شدن دریاچه ارومیه قرار دارد که مشکلی کاملا ملی است؛ هم روند شکل‌گیری این معضل بزرگ از خطاهایی سرچشمه گرفته که در سراسر ایران پیاده و پشتیبانی شده‌اند و هم بیاید آن که به زیست‌نابذیرکردن نپنه وسیعی از کشورمان و درنتیجه تخریج محیط‌زیستی مناطق ترک‌زبان و آذربایجان، خشک‌شدن دریاچه ارومیه قرار دارد